

گردشگری در سیره معصومان و ابرار

نویسنده: سید عباس رضوی

از راه‌های ثابت کردن حکم شرعی سیره و رفتار معصومان است. همچنان که اگر پیامبر یا امامان در روایی یا ناروایی چیزی سخن بگویند آن حکم حجت است، اگر معصومان کاری را انجام و یا ترک کنند این رفتار نیز دلیل بر جایز، یا حرام و یا مباح بودن آن کار است. مهم‌ترین دلیل بر اثبات چیزی به واقعیت پیوستن آن است.^۱

و نیز، اگر افراد و یا جامعه اسلامی معصومان برکاری مداومت داشته باشند و آن کار در دید پیامبر و امامان باشد و آنان ناخشنودی خود را اعلام نکرده باشند و یا سکوت کنند و از سکوت آنان رضا فهمیده شود، آن رفتار موافق شریعت بوده و سکوت معصوم دلیل تأیید آن به شمار می‌آید؛ چرا که اگر آن رفتار ناروا می‌بود، امامان که حافظان شریعت اند مخالفت خود را با آن آشکار می‌ساختند و با دست و زبان با آن مقابله می‌کردند؛ همان‌گونه که ائمه ناخرسندی خود را در برابر رواج گناهان مردم و حاکمان پنهان نداشته‌اند.

حال، سیر و سیاحت در سیرت پیامبر و امامان چه جایگاهی داشته است؟

آیا گردشگری مورد علاقه آنان بوده و سیاحت در زندگی اجتماعی و سیاسی مذهبی آنان وجود داشته است؟

آیا از دیگر سرزمینها نیز گردشگران به سرزمینهای اسلامی سفر می‌کرده‌اند و ارتباط فرهنگی میان مسلمانان یا دیگران وجود داشته یا خیر؟ و اگر وجود داشته، برخورد جامعه اسلامی با گردشگران چگونه بوده است؟ آیا با آنان چونان بیگانه‌ای پلید و از راه رسیده‌ای ناخواسته رفتار می‌شده و یا با سیاحان با احترام رفتار می‌شده و چون مهمانی از پیش خوانده از آنان پذیرایی می‌شده و گردشگران با خاطری خوش و دلی آکنده از شادکامی حوزه اسلام را ترک می‌گفته‌اند؟

پژوهش در تاریخ روابط اسلام و دیگران، تراجم و... نشان می‌دهد گردشگری در سیرت معصومان جایگاهی بلند داشته و پیشوایان دین سیاحت را روزنه‌ای برای شناخت بهتر انسان و جهان دانسته‌اند. سیاحت در فرهنگ اسلامی نه فقط برای دلگشایی و شادی روان که پیوند شنیدن به دیدن و تشریح به تکوین و روبه‌رو شدن بی‌واسطه با آفریده‌ها و رسیدن به ژرفای حقایق است.

این سخن پیامبر (ص) درباره موسی (ع) چه زیباست:

(شنیدن بسان دیدن نیست. خدا به موسی خبر داد قومت گمراه شدند و او پاره‌های تورات را از دست نیفکند. چون آن را با چشم دید الواح را از دست فرو افکند.)^۲

زمین خاستگاه پیامبران و صالحانی است که از بامداد آفریش انسان در میان آنان طلوع کرده اند. دیدن آثار و آشنایی با حوزه رسالتها و امتهای انگیزه‌هایی بود که دین باوران را راهی دیار آنان می‌کرد و بر دامنه یقین و باورهای دینی آنان می‌افزود.

دیدن نشانه‌های به جای مانده جباران و گردنکشانمانند: فرعون و هامان و نمرود از دیگر هدفهای گردشگران مسلمان بوده است. کسانی که به فرموده امیرمؤمنان لشکرها ساخته و کاخها بنا کردند و اینک جز نامی زشت و مسکنهایی که از بی‌کسی جز بوم همنوایی برایشان نمانده، هر رهگذری را به اندیشه‌ها و می‌داشت و بی‌فرجایی شرک و ستم را به عیان نشان می‌داد. ۳.

بازدید از بستر ظهور اسلام، صحنه‌های نبرد اسلام و کفر، آرامگاه پیامبر و خاندان، از مواردی است که پژوهشگران اسلام را به خود کشانده است. علاقه‌مندان و دلدادگان از راههای دور بار سفر می‌بستند و با آمدن به این مراکز قدسی سرگذشت اسلام و قرآن را از نزدیک لمس می‌کردند و روح و جسم خود را با گذشته خویش پیوند می‌دادند و چنین است که واقعی، سیره‌نویس بزرگ اسلامی، با کوله‌باری از مکه به سوی (حُنین) روان بود و می‌گفت: (آن خواهم که جایگاه نبرد را از نزدیک بینم). ۴.

دانش پژوهی بخش بزرگی از سیاحت‌های صالحان را به خود ویژه کرده بود. طالبان از دورترین نقاط عالم به مراکز دانش می‌آمدند و از این طرف عالمان برای رساندن پیام اسلام راهی مناطق دور دست می‌شدند. آنان با رفتن به میان ملت‌ها، شرایط سیاسی و اجتماع و فرهنگ مردم را شناخته و با اطلاع از داده‌هایی که بدون سیاحت ممکن نبود، پیام دین را در میان مردم منتشر می‌ساختند.

الف: سیاحت‌های پیامبر و یاران

افزون بر سفرهایی که پیامبر (ص) پیش از بعثت داشت، پس از بعثت، با انبوه مشکلات و کارهای سیاسی و اجتماعی، در فرصتهای به دست آمده، مسلمانان را به گشت و گذار می‌برد تا مردم از نزدیک با آفریده‌های خداوند و میراث امتهای پیشین و رویدادهای گذشته آشنا شوند و برایمان و باورهای آنان افزوده گردد. از جمله:

دیدار از وادی حَجْر:

حَجْر، سرزمین قوم ثمود بود که از تمدن و دنیا بهره‌های شایان برده بودند. خداوند صالح پیامبر را در میانشان برانگیخت. آنان دستور خداوند را نافرمانی کردند و سرانجام عذاب الهی دامنگیرشان شد. اکنون، در یک منزلی وادی القری در حجاز، آثار بسیاری از تمدن از میان رفته باستانی وجود دارد که باستان‌شناسان آن را از بقایای قوم ثمود شمرده‌اند. ۵.

پیامبر در غزوه تبوک به وادی حجر آمد. در آن جا توقف فرمود و شرایط جغرافیایی و تاریخی قوم ثمود را برای یاران یادآورد شد و فرجام شرک و الحاد را به عیان به مؤمنان نشان داد. ۶

پیامبر در همین گردشگری، نشانه های بازمانده از صالح پیامبر و جایگاه چشمه ای که ناقه صالح از آن آب می خورد و جای فرار شتر بچه را در بالای کوه به مردم نشان داد. و نیز گور ابی رغال یکی از همدستان ماجرای کشتن شتر صالح را به همراهان نمایاند. مسلمانان از مرکبها به زیر آمدند. در اطراف گور او به جست و جو پرداختند و برخی از نشانه های درخاک مانده از روزگار قوم ثمود را در پیرامون گور ابی رغال بر جای یافتند. ۷ جابر بن عبدالله انصاری و عبدالله عمر در این باره گفته اند:

(ما با رسول(ص) به حجر ثمود بگذشتیم. گفت: در سراهای این ظالمان مشوید، مگر گریان و ترسان؛ ترس آن که نباید به شما رسد آنچه بدیشان رسید. آن گاه گفت: این قوم صالح پیغمبر بودند. خدای تعالی همه را هلاک کرد. الا مردی را که او در حرم خدای تعالی بود.) ۸

رخصت سیرو سیاحت به مسلمانان:

شرایط آغازین دولت نوپای پیامبر ایجاب می کرد مسلمانان در مدینه تمرکز یابند، معارف اسلامی را از زبان پیامبر بیاموزند و از کانون اسلام در برابر تهدید کافران دفاع کنند. مدینه دارالهجره نامیده شد و مسلمانان دستور یافتند از هر سو آهنگ آن کنند. با استوار شدن پایه های دین مردم اجازه یافتند برای گردشگری و یا خواسته های دیگر، به مراکز خارج از حوزه حکومت اسلام سفر کنند. در یک مورد پیامبر به یکی از مسلمانان که خواستار سفر به سرزمینی دور از مدینه بود پس از پرسیدن مسائلی از او، فرمود:

(برو در آن سوی دریاها فعالیت کن. خداوند چیزی از کردارت را رها نمی کند و هجرت جایگاهی بزرگ دارد.) ۹

ابوبکر نیز یک سال پیش از رحلت پیامبر، با گروهی از دوستان خود، برای پاره ای مقاصد به بصری، از توابع شام، که در آن موقع از حوزه اسلام بیرون بود، سفر کرده است. ۱۰

سیاحت‌های یاران پیامبر:

پس از رحلت پیامبر، با بروز شرایط نوین اجتماعی، دامنه گردشگرها بالا گرفت و جامعه اسلامی بیش از روزگار آن حضرت، نیازمند سفر به آفاق و کرانه‌ها گشت. برخی انگیزه‌های این گردشگرها چنین است:

سفرهای آموزشی:

سیاحت برای یادگیری و یاد دهی که از روزهای آغازین رسالت پیامبر، پایه گذاری شده بود، پس از پیامبر فزونی گرفت. گسترش سرزمینهای اسلامی، پراکنده شدن یاران و دخل و تصرفهای نابجا در احادیث سبب می شد افراد برای تحصیل دانش و یا تبلیغ پیام دین به دور دستها سفر کنند. افراد گاه از مدینه به مصر و از مصر به شام و از بصره به فرغانه رهسپار کردند و با نبود وسائل و امکانات و ناامن بودن راهها رنج سفر را بر خود هموار سازند.

جابر بن عبدالله انصاری برای شنیدن حدیثی درباره (مظالم)، از عبدالله بن انیس انصاری، یک ماه راه می پیماید.

ابو ایوب انصاری، برای شنیدن روایتی از عقبه بن عامر، به مصر می رود و حدیث را می شنود و بدون این که از مرکب خود بار گشاید به مدینه باز می گردد. ۱۱

شناخت جغرافیای مناطق نو مسلمان: انگیزه دیگری که در آن دوره گردشگری را لازم می ساخت. مشکلات مناطق جدید بود. قانونها و رسمهای جدیدی که اسلام برای سرزمینهای نومسلمان و یا مفتوح العنوه وضع کرده بود، سبب شد افرادی برای شناخت موضوع و اجرای قانونها به آن مناطق سفر کنند. مسائلی چون جزیه، عُشر خراج، صدقه و زکات و... محتاج شناسایی گسترده اراضی، نفوس و آمار اقتصادی و سیاسی معادن و رودهای آن مناطق بود و بدون سیر و سیاحت در سرزمینهای جدید اجرای این احکام ممکن نبود از این روی، این مسأله پایه اصلی دانش جغرافیا در اسلام گردید.

دیدار از آثار باستانی:

تأکید مکرر قرآن در نگرش به آثار گذشتگان و سیرت پیامبر در دیدار از آثار گذشتگان، سبب گردید صحابه نیز از سرزمینهای باستانی به صورت فردی و گروهی دیدار کنند و در آن باره به مطالعه پردازند، از جمله:

دیدار عبادة بن صامت از غار اصحاب کهف: عبادة، برادرزاده ابوذر از صحابیانی بود که به باستان شناسی و سیاحت بسیار علاقه مند بود. او در ماموریتی که در سال ۱۲ هجری از جانب ابوبکر به نزد حاکم روم می رفت، به سرزمینی رسید که کوه اصحاب کهف نامیده می شد. کنجکاو او را واداشت درباره آن پژوهش کند. ترسایان او را به شکاف کوهی راهنمایی کردند. عبادة به آنان هدایایی داد و از ایشان خواست آثار به جای مانده از گذشتگان موجود در کوه را به او نشان دهند. آنان عبادة را به غاری بردند که در کوه کنده شده بود. او در آن جایگاه جنازه های سیزده نفر از گذشتگان را مشاهده کرد. ۱۲

عباده در گزارش خود، به شرح، از شکل و شمایل، لباسها و پای افزارهای خفتگان غار ارائه داده و گفته:

(از آنان پرسیدم اینان را می شناسید؟ گفتند: در کتابها خوانده ایم این گروه پیامبرانی بوده اند که چهار صدسال پیش از بعثت عیسی، همزمان مبعوث شده اند).

عبادة، در همین سفر از شکفتیهایی که دیده بود و آثاری که بزرگ روم از گذشتگان به او نشان داده بود، بازگفته است. ۱۳

سلمان و حذیفه در ایوان کسری:

سلمان، از ایرانیان بود عمر پیموده و کهنسال که سالها در پی حق و حقیقت سیاحت کرد. او در جست وجوی پیامبری که عیسی خبرش را به یاران داده بود، به شهرهای گوناگونی سفر کرد و استادان بسیاری را خدمت کرد، تا سرانجام به گمشده خود در مدینه دست یافت. این سیاحتها سلمان را مردی دانا و رأیمند ساخت که سخنانش برای حکومت نوپای مسلمانان مغتنم بود. رایزنی سلمان در نبرد خندق در پیروزی مسلمانان بر نیروهای قریش موثر افتاد. سلمان پس از اسلام نیز، سیاحت را ترک نکرد. در روزگار فرمانروایی سلمان بر ایران، با یاران، گاه و بیگاه سیاحت می کرد. کاخهای شاهان ساسانی از جاهایی بود که سلمان از آن دیدار می کرد:

(روزی سلمان با حدیفه بن یمان در عرصه ایوان کسری، پیرامون شگفتیهای زمان با یکدیگر گفت و گو می کردند. مردی بیابان نشین از مردمان غامد در آن اطراف شبانی می کرد. و شبها گوسپندان را در ایوان کسرا جای می داد. در ایوان تختی بود از سنگ رخام که کسرا گاه بر آن می نشست. در آن هنگام گوسپندان بر تخت کسری فراز آمدند سلمان به حدیفه گفت: شگفت انگیزترین چیزی که از آن سخن به میان رفت، بالا رفتن گوسپندان غامدی بر تخت کسری است.) ۱۴

سعد وقاص نیز از ایوان کسری دیدن کرده و در آن جا سخنانی در نکوهش دنیا بر زبان رانده است. ۱۵

ابو موسی اشعری نیز پس از پیامبر به وادی حجر سفر کرد. در پیرامون خرابه های ثمود و شرایط جغرافیایی آن مطالعه کرد. او خود در این باره گفته:

(چون من به زمین ثمود رسیدم آن راه که ناقه رفتی و باز نتوانستی آمد، بپیوادم شصت گز بود.) ۱۶

ب: علی (ع) و گردشگری

علی (ع) گردشگری را مفید و انسان ساز شمرده و کسب دانش و آشنایی با سرزمینها و دوستیابی را از پیامدهای مثبت سفر شمرده است. در سیره آن جناب سیاحتهای گوناگونی دیده می شود که نمایانگر ارجح آن جناب به سیاحت در جهان است.

۱. دیدار ایوان کسری:

مدائن، مرکز حکومت ایران بود که شکوه و زیبایی آن زبانزد عرب و عجم بود و تشریفات و تجملات خیره کننده، آن هر تازه واردی را به شگفتی وا می داشت. مدائن در دوره عمر به دست سپاه اسلام افتاد. پاره شدن نامه پیامبر توسط خسرو پرویز در مدائن و بی اعتنائی زمامداران مسلمان به زر و زیورهای دنیوی سبب شد که از کاخهای شاهان مراقبت جدی صورت نگیرد. بلکه کاخ کسری به همان صورتی که به دست مسلمانان افتاده بود، به روی همگان باز باشد، تا

علاوه بر نشان دادن حکومت پوشالی ساسانیان، عبرتی برای معاصران و نسلهای پی آمده باشد. علی(ع) در سفر به صفین در عبور از مدائن، به دیدن کاخ کسری رفت. چندین گزارش از سفر علی(ع) به ثبت رسیده است:

(مار ساباطی، نقل کرده است:

(امیرمؤمنان به همراه دلف بن ابی مجیر، در سفر به مدائن به ایوان کسری آمد. در آن جا نماز خواند. پس از نماز برخاست و به دلف گفت با من همراهی کن. دلف با جماعتی از مردم ساباط با امام حرکت کردند. امام در رواقها و دالانهای کاخ کسری دور می زد و به دلف از ویژگیهای آن مناطق و جایگاهها سخن می گفت: دلف کلام حضرت را تصدیق می کرد. امام با همراهان همه جایگاهها را گردش کرد و دلف می گفت: آقای من. چنان از این جایگاه ها به درستی سخن می گویی که گویی تو آنها را مکان خود قرار داده ای؟) ۱۷

نصر بن مزاحم از سفر علی(ع) به مدائن چنین گزارش داده است:

(علی(ع) در مسیر صفین به ساباط آمد و از آن جا به شهر تهرسیر. مردی از یارانش به نام حریر بن سهم از بنی ربیعہ به آثار کسری می نگریست و این شعر ابن یعفر تمیمی را برخواند:

جرت الرياح علی مکان دیارهمفکنا کانا علی میعاد

علی(ع) به او گفت: چرا این آیات را بر نخواندی:

(کم ترکوا من جنات و عیون و زروع و مقام کریم و نعمة کانا فیها فاکهین کذلک واورثناها قوما آخرین. فما بکت علیهم
السماء والارض و ماکانوا منظرین... ۱۸)

(ان هؤلاء کانا وارثین فاصبحوا موروثین. لم یشکروا النعمة فسلبوا دنیاهم بالمعصية. ایاکم و کفران النعم - لاتحل بکم
النقم. ۱۹)

بعد از خود، چه باغها و چشمه سارها بر جای گذاشتند. و کشتزارها و خانه های نیکو و نعمتی که در آن غرق شادمانی بودند. بدین سان بودند و ما آن نعمتها را به مردمی دیگر واگذاشتیم. نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین و نه به آنان مهلت داده شد.

آنان خود وارث پیشینیان بودند، سپس خود موروث شدند. شکر نعمت نکردند، بر اثر نافرمانی دنیا از دستشان رفت. از ناسپاسی نعمتها بهره‌زید که نکبت دامنگیرتان نشود).

دیدن از براتا:

براتا قریه ای بود قدیمی در غرب بغداد، که آوازه آن به پیش از اسلام می رسید. براتا پیش از اسلام جایگاه عبادت مؤمنان بوده و بزرگانی چون ابراهیم خلیل و عیسی و مادرش مریم(ع) در آن جایگاه تردد داشته اند.

منابع شیعی و سنی حکایت از آن دارد که علی(ع) در بازگشت از نبرد نهروان در سال ۳۷ هـ.ق. در نزدیکی براتا در حمامی غسل کرده و در آن نماز خوانده است. ۲۰

امام سجاد(ع) در این باره فرموده است:

(حضرت امیر(ع) پس از جنگ با خوارج، با سپاه به این سرزمین آمد. از نام آن سرزمین پرسید. گفتند زوراء. حضرت [با توجه به سابقه ای که از آن در نظر داشت] فرمود: از آن دوری کنید. پس از اندکی راهپیمایی، صومعه ای نمایان شد که راهبی سالها در آن عبادت می کرد. حضرت پیاده شد. راهب به دیدار امام آمد و گفت: این جایگاه بزرگی است و عیسی و مادرش در این جا نماز گزارده اند. سپس حضرت در نزدیکی آن به کاوش پرداختند با پای مبارک خاک را کنار زدند چشمه ای آشکار شد. امام گفتند: این همان چشمه مریم است. به فرمان امام پس از هفده زراع خاک را پس زدند سنگ سپیدی نمایان شد. فرمود: این همان سنگی است که مریم عیسی را بر آن نهاد. حضرت به روی سنگ مشغول نماز شد و خیمه خود را بر آن نصب کرد. امام و سپاهیان چهار روز در سرزمین براتا درنگ کردند. ۲۱)

در گزارش دیگر آمده که حضرت به راهب گفت:

(ابراهیم خلیل نیز در این جایگاه نماز گزارده است.) ۲۲

سفر به بابل:

بابل، یکی از خاستگاههای تمدن جهان باستان بوده که سالیان دراز حکومت گران بر بین النهرین و مناطق اطراف این شهر را مرکز حکومت خود قرار داده بوده اند. نمرود، طاغوت معاصر ابراهیم خلیل، در این شهر زندگی می کرده و ابراهیم مبارزه علیه بت پرستی و ستم را از این نقطه آغاز کرده است. با گذشت هزاران سال هنوز آثار بسیاری از تمدن نابود شده بابل در عراق پا بر جاست و جهانگردان از آن دیدن می کنند.

علی (ع) پس از نبرد نهروان به سرزمین بابل آمد و در آن جا سپاهیان خود را به موقعیت جغرافیایی و سرگذشت ساکنان گذشته آن توجه داد و پایان گناه و فساد را به عیان به رزمندگان همراهش نمایاند.

جویره بن مسهر گوید:

(با امیرمؤمنان (ع) در جنگ نهروان به سرزمین بابل آمدیم. امام از مرکب فرود آمد و گفت:

ای مردم این سرزمین نفرین شده و سه بار در روزگار ویران شده است. یکی از شهرهای زیر و رو شده که در قرآن از آن یاد شده ۲۳ همین سرزمین است. در این زمین بت پرستیده شده و سزاوار پیامبر و وصی او نیست، در آن نماز گزارد. سپس حضرت از آن جا به کناری رفتند و نماز گزاردند.) ۲۴

استفاده از تجربه های دیگران:

علی(ع) به سیر حوادث بشر، تاریخ پیامبران گذشته علاقه مند بود. اخبار آنان را از دانایان پیش از خود می پرسید. ۲۵. امام فرزندش حسن(ع) را به کاوش در رویدادهای گذشتگان و استفاده از تجربه های آنان دعوت کرده است. ۲۶. آن حضرت در سیاحتها تلاش می کرد از تجربه های سیاسی و اجتماعی ملتهای دیگر با خبر گردد و از آن در زندگی استفاده کند. از جمله:

دیدار با نویسنده ویژه انوشیروان:

از رخدادهای سفر علی(ع) به نهروان دیدار با نویسنده ویژه انوشیروان پادشاه پرآوازه ساسانی بود. امام با خبر شد یکی از نویسندگان دربار ساسانی زنده است و آگاهیهای سودمندی از تاریخ و سیاست دارد. او را که دارای هوش سرشار، ولی از دیده محروم بود، به نزد امام آوردند. نامش جمیل بود. امام از او پرسید:

انسان چگونه باید زندگی کند و رفتارش بهتر است چگونه باشد؟

او گفت: بهتر است دوستانش اندک و دشمنانش بسیار باشد.

امام فرمود: سخنی نو می شنوم. مردم بر این همداستانند که دوستان اگر بیش تر باشند بهتر است.

جمیل گفت: واقعیت برخلاف گمان مردم است. دوستان زمانی که جملگی برای برآوردن نیاز انسان در کوشش اند، به درستی کار را به انجام نمی رسانند. گذشتگان گفته اند: از بسیاری ملاحان کشتی غرق گردد.

امام فرمود: آن را تجربه کرده ام. درست است. فایده بسیاری دشمنان کدام است؟

گفت: دشمنان که بسیار باشند آدمی همواره مواظب خویش است، تا کار او دستاویز آنان قرار نگیرد و از خطر مصون ماند.

امام سخن او را پسندید. (۲۷)

ج: سیاحت در سیرت دیگر امامان

در زندگی دیگر امامان نیز، گردشگرهای ثمربخش و سازنده بسیار دیده می شود و جامعه اسلامی معاصر آنان از سیر و سفر برای رشد کمالات انسانی و غنی ساختن فرهنگ جامعه بهره می بردند. از یاوران امام زمان به عنوان (المربط السیاح) ۲۸ مجاهدان جهانگرد یاد شده که نشانگر آن است که حکومت جهان و کارگزاری ملیتها و هماهنگی فرهنگی گوناگون آشنایی عمیق با تاریخ و جغرافیا و فرهنگها را ایجاد می کند و یاران امام با گردش در کرانه های جهان خود را برای خدمت به اسلام آماده می سازند.

دیدار با علای ملل و نخل:

در روایتی امام صادق (ع) فرموده است: امام حسن مجتبی در زمان حکومت امیرمؤمنان، به خواهش سلطان روم برای تحقیق پیرامون پاره ای مسائل کلامی میان اسلام و مسیحیت به روم سفر کرد. امام در این سیاحت پاره ای از عقاید اسلام را برای ترسایان رومی برشمرد. حاکم روم، پیکره هایی از پیامبران و کشورگشایان گذشته بشریت را که نیاکان او به یادگار داشتند، به حضرت نشان داد و خواهان شناسایی آنان شد. امام یکایک آن پیکره ها را شناسایی کرد. ۲۹ این سفر تاثیر بسیاری در نگرش رومیان نسبت به اسلام علوی به جای گذاشت.

امام باقر (ع) نیز در زمانی که به فرمان هشام بن عبدالملک از مدینه به شام رفت، از فرصتهای به دست آمده استفاده فراوان برد و در گوشه و کنار آن سرزمین به گشت و گذار پرداخت.

امام باقر به همراه امام صادق (ع) در آن جا به میان مردم می رفت و به آنان که سالها از تماس با خاندان رسالت محروم بودند، آگاهی می بخشید.

روزی امام در میان شامیان نشست و به پرسشهای آنان پاسخ می داد، دید گروهی از ترسایان به سوی در حرکتند.

گفته شد آنان در این کوهسار دانشمند بزرگی دارند که یاران حواریون عیسی را درک کرده است و سالی یک بار به پیش او رفته و مشکلات خود را از او می پرسند.

امام فرمود: باید به نزد او برویم. سپس حضرت لباسی مانند نصارا پوشید و سررا با لباس خود پوشاند و به طور ناشناس در میان ترسایان بر آن عالم مسیحی وارد شد.

آن دانا مرد که از پیری ابروانش به روی دیدگانش فرو افتاده بود، در جمع مردم امام را ناآشنا تشخیص داد و پس از آن که دانست او از ترسایان نیست، پرسشهایی را با امام در میان گذاشت و پاسخ شنید.

سپس امام پرسشهایی را از او کرد که وی در جواب فرو ماند. این گفت و گو، در روان حقیقت جوی آن پیر جهان دیده تاثیر مثبتی بر جای گذاشت. به گزارشی به دست امام مسلمان شد. ۳۰

در دوره بنی عباس، سفر برای مذاکره علمی و دیدار علمای مذاهب و ادیان با یکدیگر رایج بود. در زمان هارون گروهی از دانشمندان اسلامی برای دیدار و مذاکره مذهبی به یکی از کشورهای غیرمسلمان سفر کرده اند. ۳۱

سفرهای سیاحتی تجارتي:

سفرهای تجارتي بخش دیگری از سیاحتهای مسلمانان در آن دوره بوده است. با گسترش اسلام در شرق و غرب عالم. تجار، مهم ترین وسیله ارتباط فرهنگی و رونق اقتصادی بودند. آنان به شهرهای گوناگون سفر می کردند. کالا می بردند و کالا می آوردند و به همراه تجارت پیام و فرهنگ دین را به این و آن سو منتقل می ساختند.

در میان یاران امامان، گروه بسیار بزرگی از تاجران بودند که برخی از آنان افزون بر سفر به بلاد اسلامی به سرزمینهای مشرکان که در تحت نفوذ دولت اسلامی نیز نبود سفر می کردند. از جمله آنان حجاج سمندری بود. او از یاران امام صادق

بود. و زادگاهش سمندر، از توابع قفقاز و خزر، در نزدیکی گنجه کنونی. وی تاجر بود و به سرزمین ترکان که هنوز مسلمان نشده بودند رفت و آمد داشت:

(شریف تغلیسی از جهاد نقل کرده به امام صادق گفتم:

من به سرزمین مشرکان رفت و آمد دارم. برخی از یارانم به من گفتند: اگر در سرزمین آنان بمیری در قیامت با مشرکان بر انگیخته خواهی شد.

امام به من فرمود:

ای جهاد: تو در آن سرزمین از ولایت ما سخن به میان می آوری.

گفتم: آری.

فرمود: در سرزمین اسلام نیز آزادانه می توانی از اهل بیت دفاع کنی.

گفتم: خیر.

فرمود: تو اگر در آن دیار بمیری به مانند امتی محشور خواهی شد و نور تو پیشاپیش حرکت خواهد کرد. (۳۲)

داود رقی، از امام صادق (ع)، برای سفر به سرزمین سند، برای رفع مشکلات زندگی با امام صادق مشورت کرد. او از سفر دریایی وحشت داشت که امام او را تشویق به این سفر کرد. (۳۳)

شقیق بلخی از هواداران امام کاظم، در آغاز کار دارای ثروت و مکنتی فراوان بود و سفر تجاری بسیار داشت. او کالاهایی را از سرزمین اسلام به بلاد ترکان که هنوز مشرک بودند می برد. ۳۴

در این دوره، تجار نقش بارزی در گسترش اسلام در میان مشرکان ایفا کرده اند. در زمان خلافت معتصم عباسی، بخشی از سرزمین کشمیر توسط تجار مسلمان، به اسلام گرویدند. ۳۵

سیاحت‌های تفریحی:

در سیره مسلمانان آن روز، چونان امروز، مردم برای آرامش روح و روان به سرزمین‌ها و واحه‌های خوش آب و هوا سفر می کردند. این سیره مورد رضایت امامان (ع) بود. تنها آن دسته از سفرهای تفریحی در نظر امامان ناپسند بوده که سفر با لهو و لعب و اسراف همراه باشد. ۳۶

در زندگی خود امامان سیاحت‌های تفریحی هر چند اندک و کوتاه، دیده می شود. امام صادق (ع) برای تنزه و استراحت گاه دور از خانه به سر می برد و امام رضا (ع) برای آرامش روح و جسم، به همراه کسان خود راهی سرزمین دیگر می شد. ۳۷

سفرهای زیارتی و سیاسی:

زیارت پدیده‌ای است دینی که همان طبیعت را به عالم بالا و رهرو را به جماعت مومنان پیوند می دهد و رابطه رهرو و رهبر را پایدارتر می سازد. زائر با نزدیک ساختن خود به جایگاه محبوب، با او تجدید پیمان می کند. جاده‌های ایمان و رهروان هدف مند را به دور یکدیگر جمع و آنان را هماهنگ می سازد، اندیشه‌ها را در میانشان رواج داده و مؤمنان و موحدان را هم پیمان می سازد. زائر با دیدن نمادهای دینی و یا زیارت شهیدانی که در راه ایمان و پاکی به خاک افتاده اند، خود را به آرمان‌های آنان نزدیک ساخته و با زیارت پیشوایان دین با آنان تجدید دیدار و بیعت می کند. مسلمانان در زمان پیامبر افزون بر زیارت آن حضرت به زیارت شهدا می رفتند و پس از پیامبر مزار او میعادگاه مسلمانان بود.

مؤمنان، راه و رسم و حرکات و سکنت پیامبر را از نظر دور نمی داشتند. مکانهایی را که پیامبر تردد می کرد کاوش می کردند. هر جا حضرت نماز خوانده بود برای تبرک نماز می گزاردند. مسلمانان پس از پیامبر به سرزمین حدیبیه سفر می کردند و در کنار آن درختی که بیعت رضوان در آن جا انجام گرفت، نماز می خواندند. ۳۸

پیروان اهل بیت، افزون بر زیارت پیامبر به دیدن امامان و یا زیارت مزارشان می شتافتند، مسائل دینی را از ایشان پرسیده و واجبات مالی خود را ادا می کردند و خط مشی سیاسی خود را از آنان الهام می گرفتند.

از دوران امام سجاد تا زمان غیبت، جاده ها همواره شاهد عبور کاروانهای زائران بوده است و این اعتقاد در میان شیعیان ریشه داشته که حج با زیارت امام کامل می گردد. شیعیان پس از سفر حج زیارت پیامبر و امامان را از یاد نمی بردند. دوران امام باقر و صادق شاهد گسترش این سفرها بوده است. با آمدن امام رضا (ع) به خراسان، شیعیان از خراسان و عراق و حجاز در مرو به زیارت امام می رفتند. دعبل خزاعی از کسانی است که از بغداد به دیدار امام رفت و مدتی در کنار حضرت ماند. در دوره امام حسن عسکری نیز پیروان اهل بیت، بویژه ایرانیان و خراسانیان به صورت گروهی به دیدار امام شتافته اند. ۳۹. از آن سو، امامان نیز با بودن زمینه و شرائط، به دیدار پیروان خود می رفتند و با حضور در محافل ایشان، از آنان بازدید می فرمودند.

پس از شهادت امامان مزارشان میعادگاه شیعیان بود. بویژه زیارت امام حسین (ع) نماد مبارزه با ستم شمرده می شد. مردم از هر سو به کربلا می رفتند و هیچ مانعی آنان را از این سفر نمی توانست باز دارد. امامان، امام حسین را زیارت می کردند و موالیان آنان نیز با زیارت کربلا با آرمهای شهیدان نینوا تجدید بیعت می کردند.

جابر بن عبدالله انصاری اندکی پس از شهادت امام به کربلا رفت و پس از آن، تواین که در میان آنان، شمار زیادی از صحابه و تابعین بودند، در کنار تربت امام در مبارزه علیه ستم امویان پیمان خون بستند. ۴۰

از این روی، ستمکاران اموی احساس خطر کردند و با جعل روایتهایی از زبان پیامبر تلاش کردند مردم را از دیدار مشعلداران هدایت و آزادی باز دارند و در مرتبه بعد، یا دماهای اسلام و اهل بیت را از روی زمین بزدایند.

محمد بن شهاب زهري از پیامبر روایت کرده است:

(لا تشد الرجال الا الى ثلاثة مساجد، المسجد الحرام و مسجدی و مسجد بیت المقدس و ان الصخرة التي يروى ان رسول الله وضع قدمه عليها تقوم لكم مقام الكعبة.) (۴۱)

بار سفر بسته نمی شود، مگر برای سه مسجد: مسجد الحرام و مسجد خودم و مسجد اقصی و همانا سنگی که روایت می شود که پیامبر قدمش را در هنگام معراج بر آن نهاده، برای شما جایگزین کعبه است.

این حدیث در تعبیرهای گوناگون در کتابهای روایی اهل سنت وارد شده است و گروهی از اهل سنت آن را دلیل نامشروع بودن زیارت‌های بزرگان دین به جز سفر به این سه مسجد دانسته اند.

شواهد دلالت دارد که این روایت از حدیث‌های جعلی است که در زمان بنی امیه برای هدف‌های سیاسی دستگاه خلافت درست شده است.

علاوه بر آن که زهري، راوی حدیث، شخصی است ناشایست و در مخالفت اهل بیت پیامبر، بوئزه علی (ع)، روایتی از او گزارش شده است. زهري از کارگزاران و حامیان عبدالملک مروان بوده است.

پس از تسلط عبدالله بن زبیر بر مکه، عبدالملک مروان برای این که مردم به زیارت کعبه نروند و عبدالله زبیر افکار آنان را از بنی امیه جدا نکند، این حدیث منسوب به پیامبر در میان شامیان منتشر شد و مبلغان اموی آن را به سرتاسر سرزمین اسلامی رساندند، تا بدین وسیله مردم به جای آن که با نا امنی راه‌ها و جنگ، به مکه روند آهنگ بیت المقدس کنند و ثواب زیارت مکه بدون درد سر برایشان فراهم گردد.

یعقوبی در این باره چنین گزارش داده است:

(عبدالمملک مروان، بر اثر آن که مکه در تصرف عبدالله زبیر بوده، شامیان را از سفر مکه باز داشت. مردم بی تاب شدند و گفتند. ما را از زیارت واجب باز می داری؟

گفت: این محمد بن شهاب زهری است که از پیامبر روایت می کند: مسلمانان تنها به سوی سه مسجد کوچ کنند: مسجدالحرام، مسجد من و مسجد اقصی و آن سنگی که پیامبر قدمش را بر آن گذاشته جای کعبه را می گیرد. سپس عبدالمملک، گنبدی را بر فراز صخره بنا نهاد و بر آن پرده های ابریشمی آویخت و برای آن کلید دار تعیین کرد و به مردم گفت در اطراف آن طواف کنند. روزگار بنی امیه چنین بود.) ۴۲

رهبر معظم انقلاب، در بررسی شرایط زمانی و مکانی صدور این روایت آن را از ساخته های زهری دانسته اند:

(این حدیث، مال آن زمانی است که عبدالله بن زبیر بر مکه مسلط بود و هر وقت مردم می خواستند به حج بروند مجبور بودند که در مکه، منطقه ای که زیر نفوذ ابن زبیر است چند روز بمانند و این فرصت بسیار خوبی به عبدالله زبیر می داد که علیه دشمنان خودش و از همه مهم تر عبدالمملک مروان، تبلیغات کند و چون عبدالمملک مروان مایل بود که مردم تحت تأثیر این تبلیغات قرار نگیرند و به مکه نروند، لذا بهترین و آسان ترین راه را در این دید که حدیثی جعل کند که آن حدیث شرف و منزلت مسجدالاقصی را به اندازه مکه و مدینه بداند و حتی آن سنگی که در مسجدالاقصی است به قدر کعبه شرف داشته باشد. در حالی که در عرف و فرهنگ اسلامی هیچ نقطه ای در دنیا جایگزین سنگ کعبه و حجراالاسود نمی شود.) ۴۳

پیامدهای ناگوار کار عبدالمملک منحصر به دوران بنی امیه نبود. بلکه وارد فرهنگ اسلامی شد تا آن جا که آثار آن را در قرن پنجم نیز مشاهده می کنیم. ناصر خسرو، در گزارش خود از بیت المقدس در قرن پنجم، می نویسد:

(بیت المقدس را اهل شام و آن طرفها قدس گویند و از اهل آن ولایات کسی که به حج نتواند رفتن در همان موسم به قدس حاضر شود و به موقف بایستد و قربانی عید کند.) ۴۴

دیدن آثار به جای مانده پیامبر و صحابیان، از هدفهای زیارتی مسلمانان بود. مردم، پس از زیارت پیامبر در کنار خانه های ساده و بی آرایش زنان پیامبر، خانه کوچک فاطمه و علی درنگ می کردند و حال و هوای روزگار پیامبر را در آن می جستند و صفا و سادگی آنان زائران را متاثر می ساخت ولید بن عبدالملک، به بھانه گسترش حرم و مسجد پیامبر، خانه های همسران پیامبر را خراب کرد و آن آثار پر اهمیت و جایگاه های نزول آیات قرآن را از میان برد. بسیاری از مسلمانان به این کار اعتراض کردند و بر آن پای می فشردند که این آثار و خانه ها بسان روز نخست استوار ماند و نمادهای اسلام حفظ شود، به گزارش یعقوبی:

(ولید به عمر بن عبدالعزیز، حاکم مدینه نوشت: مسجد پیامبر خراب و خانه های پیرامون آن، از جمله سراهای زنان پیامبر داخل در مسجد گردد. چون کار را آغاز کرد خیب فرزند عبدالله زیر به عمر گفت: تو را به خدای سوگند که با این کار خود مورد نزول یکی از آیات قرآن را از میان نبری خدا فرموده: (ان الذین ینادون من وراء الحجرات). ۴۵)

عمر دستور داد او را صد تازیانه زدند و بر تنش آب سرد پاشیدند، چون هوا بسیار سرد بود خیب در زیر تازیانه از بین رفت. ۴۶)

عطا خراسانی در تأثر مسلمانان از خراب شدن خانه های پیامبر گفته است:

(من خانه های زنان پیامبر را دیدم که با شاخه های خرما پوشانده شده بودند و به جای در، پرده ای مؤنن آویخته. من آن جا بودم که نامه ولید خوانده می شد که در آن امر شده بود: خانه های پیامبر در مسجد داخل شود. مردم را مثل آن روز گریان ندیده بودم.

سعید بن مسیب در آن روز چنین می گفت:

به خدای سوگند، آرزو داشتم خانه ها را به حال خود گذارند تا مردم مدینه و زائران سرزمینهای دور دست ببینند که پیامبرش در زندگی به چه بسنده کرده است. تا این مطلب مردم را از افزون طلبی و تفاخر، به پارسایی و ساده زیستی

وادارد. در مجلسی دیگر ابو امامه گفت: ای کاش، خانه ها خراب نمی شد، تا مردم از ساختن بناهای غیر ضروری دوری جویند و ببینند که پیامبری که کلیدهای گنجهای دنیا در دستش بود، به چه اکتفا کرده است. (۴۷)

امام رضا(ع) در مسیر سفر از مدینه به خراسان آثار و نشانه های بسیاری از خود به جای گذاشت. پیروان اهل بیت، بویژه مردم ایران برای یاد بود امام در مناطق عبور حضرت یادمانها و قدمگاه هایی را بر پای داشتند و به دیدن جاهای گذر امام می آمدند.

امام در نیشابور در منطقه کهلان در چشمه ای غسل کرد. شیعیان از آن روز تا دوره شیخ صدوق، هنگام گزارش خبر، از آن چشمه باز دید می کردند. ۴۸

دیدن آثار باستانی: در نگاه دین باوران روزگار امامان آثار باستانی منبع معرفت و عبرت و مایه کسب دانش تلقی می شد و مسلمانان برای دیدن آثار گذشته به سرزمینهای دور دست سفر می کردند و هیچ گونه مخالفتی از سوی امامان نسبت به این گونه سیاحتها و یا بازدید از شهرهای مخروبه باستانی دیده نمی شود. امامان خود برای آگاهی از تاریخ باستان در کاوش بوده و اطلاعات ذی قیمتی از شهرها و آثار گذشتگان در اختیار داشتند و در مواردی از آثار معابد و مساجد انبیاء بازدید کرده اند. امام باقر(ع) با مردی از اهالی یمن پیرامون اوضاع جغرافیای یمن، خاستگاه تمدن قوم سبا و... گفت وگو کرد. امام از مناطقی نام برد که رویدادی از تاریخ گذشتگان در آن به وقوع پیوسته است. مرد یمنی از آگاهیهای امام درباره یمن به شکفت آمد و اظهار داشت، شما چه قدر با این مناطق آشنایی دارید. ۴۹

اینک چند نمونه از سفر مسلمانان و ائمه برای بازدید از آثار گذشتگان:

بازدید از شهری در مغرب:

در زمان امام سجاد، موسی بن نصیر عبدی کارگزار عبدالملک مروان در اندلس، به عبدالملک گزارش کرد که مردم این جا از شهری باستانی گفت وگو می کنند که در این منطقه وجود دارد و می گویند به دست سلیمان بن داود بنا شده و آثار بسیاری از گذشتگان در آن دیده می شود. من علاقه مند دیدن این شهرم، ولی این سفر نیازمند هزینه های بسیار است. عبدالملک فرستاده ای به مغرب فرستاد تا همراه موسی از آن شهر بازدید کنند. موسی از آن شهر دیدن کرد و

شگفتیهای در آن دید کرد. بر یکی از دیوارهای آن شهر اشعاری به زبان عربی دید که از آمدن نجات بخش بشریت در آخرالزمان خبر می داد. زهری آن سخنها را با امام سجاد مطرح ساخت. امام فرمود: مقصود از آن مهدی است. ۵۰

دیدن از جایگاه های نماز و منزلگاه پیامبر:

اُمّه (ع) و یاران، به مناطقی که پیامبر در آن جا نماز گزارده و یا اردوگاه سپاهیان اسلام در آن جا بوده سفر می کردند و در آن جا بازدید کرده و برای تبرک نماز می گزارده اند. ۵۱

مسجد سهله:

مسجد سهله در کوفه از مناطق باستانی بوده که امامان و بسیاری از ابرار از آن دیدار کرده اند. امام صادق درباره این مکان فرموده است:

(مسجد سهله، مکان استراحت ادریس پیامبر بوده و ابراهیم از آن جا آهنگ مبارزه با عمالقه کرده است. و داود از آن جا به جنگ جالوت رفته است. در مسجد سهله سنگی وجود دارد که تصویر همه پیامبران بر آن نقش بسته است.) ۵۲

جهانگرد مسلمان در چین:

منصور دوانیقی به طور ناشناس در مکه طواف می کرد که صدای ناله حزینی شنید که از ستم بنی عباس شکوه داشت. منصور او را به حضور طلبید و علت ناله اش را جويا گردید. وی گفت: تو میان خود و مردم فاصله انداخته ای و گوشهای تو برای شنیدن ناله داد خواهی ستمدیدگان بسته است. تو میان خود و مردم با حصارهایی از گچ و آجر و درهای آهنین فاصله انداخته ای و کارگزارانی ستمکار و رشوه خوار بر مردم چیره اند. سپس آن مرد از تجربه های خود درباره اداره جامعه و دادرسی مردم در دیگر نقاط جهان سخن گفت و از آنچه در سفر به چین دیده اظهار داشت:

(من در گذشته پیوسته به سرزمین چین سفر می کردم در آن جا حاکمی بود ناشنوا که گریه می کرد. یکی از وزیران از سبب گریه اش پرسید. وی گفت: من از ناشنوایی خود گریه نمی کنم، ولی از آن نالانم که صدای داد خواهی ستمدیده ها را نمی شنوم. ولی اگر ناشنوایم، ولی بینایم برجاست. پس در میان مردم ندا کرد که تنها ستمدیدگان لباس سرخ بپوشند.

وی از آن پس، سوار پیل می شد و برای دادرسی مردم در هر سو گردش می کرد. این سیرت مشرکی است که نسبت به مردم خود چنین مهربان است. (۵۳)

این ماجرا شاهد ارتباط فرهنگی میان دنیای اسلام و سرزمین چین در آن روزگار است و این مطلب که سیاحان می توانند حاملان تجربه های سیاسی و اجتماعی ملتها به یکدیگر باشند.

مدائن:

از روزگار بازدید علی (ع) از مدائن و نماز گزاردن آن حضرت در ایوان کسری، این نقطه مورد توجه مسلمانان، بویژه شیعیان بود و مسلمانان در عبور از عراق از مدائن بازدید می کردند. در زمان امام صادق نیز این رویه رایج بود. در ماجرای بنای بغداد منصور دوانیقی قصد آن کرد که ابزار و لوازم مدائن را به بغداد منتقل کند و با سنگ و آجر و چوکه های آن مدینه السلام را بنا کند، خالد بن برمک او را از این کار بازداشت. خالد سه دلیل برای مخالفت خود آورد:

۱. ایوان مدائن دلیل حقانیت اسلام است. هر کس شکوه و عظمت آن را ببیند می فهمد که تمدن و قدرت ساسانیان را جز پیامبری راستین نمی تواند از میان ببرد.

۲. علی بن ابی طالب در ایوان مدائن نماز گزارده است.

۳. زیان خراب کردن آن بیش از سود آن است.

منصور به خالد گفت: تو به سوی ایرانیان گرایش داری. سپس بدون توجه به افکار عمومی به خراب کردن آن مشغول شد. چون یک سوم آن را از میان برد متوجه گفته خالد شد و از آن کار دست بازداشت. (۵۴)

شهر باستانی تدمر:

تدمر شهری باستانی بوده است در سوریه فعلی، که با امپراطوری رومانی روابط نزدیکی داشته و قرار گرفتن آن بر راه تجاری... آن را ثروتمند و با شکوه کرده بود. این شهر پیش از اسلام بر اثر حوادثی رونق خود را از دست داده و سرانجام به تصرف مسلمانان درآمد. و آثار فراوان از حجارتهای و مجسمه ها و بناهای مدرن را از عظمت بر بادرفته خود را به مشاهده مردم گذاشت. ۵۵ مسلمانان از آن بازدید می کردند و به دیده عبرت در آن می نگریستند. از جمله، ذوالنون مصری از مسلمانان معاصر امام کاظم، بسیار سیاحت می کرد و از شهرها و سرزمینهای فراوانی دیدن کرده بود. او در گردشگرهای خود در صحرای سباهه روزی به بازدید تدمر رفت و در آن جا به دین آثار به جای مانده از روزگار رونق و آبادانی این شهر مشغول گشت. او در میان خرابه ها خانه هایی را دید که یکدست از سنگ تراشیده شده بود. ذوالنون، به جست و جو و کاوش در میان خرابه ها مشغول گشت. در میان سنگها به نوشته ای برخورد، که حکایت می کرد که یکی از علویان مخالف حکومت عباسیان، و هارون آن را نوشته است.

مرحوم علامه مجلسی احتمال داده است آن مرد علوی امام کاظم (ع) بوده باشد که به تدمر رفته و آن شکوائیه را در ستم حاکمان از خود به یادگار نهاده است. ۵۶

خورنق و سدیر:

خورنق، قصری بود در کنار حیره در روبه روی رود فرات که نعمان بن امرءالقیس آن را برای اقامت مهران گور پسر یزدگرد بنا کرد. نعمان در پایان سازنده آن را از بین برد که در بین عرب ضرب المثل شد. این قصر که در شکوه و زیبایی بی مانند بود، در روزگار نعمان دوران عزت و اقتدار خود را می گذراند، ولی سرانجام ساکنان آن مورد خشم شاهان ایران قرار گرفتند و از میان رفتند و آن بناها به ویرانه تبدیل شد در دوره اسلام، مسلمانان برای سیاحت و عبرت از تاریخ، گاه و بی گاه از آن سر می زدند و ناپایداری جهان ستم را با چشم می دیدند.

(یکی از صالحان گفت: مرا به کوفه شغلی بود به خورنق و سدیر بگذشتم، سراهای نعمان بن منذر را دیدم همه خراب گشته و از آن جز اطلال و رسوم چیزی دیگر نمانده، ساعتی برای اعتبار در آن جا توقف کردم آن گاه گفتم: این ساکنان این چیرانک، این قطانک). ۵۷

اهرام مصر:

گفت وگو از شکفتنها و دیدن چیزهای شکفت انگیز، همواره از مسائل مورد علاقه مردم بوده و مسلمانان در محافل خود از دیدنهای و شنیده های شکفت انگیز برای یکدیگر تعریف می کردند ۵۸ و در شرایط ممکن برای دیدن آن سفر می کردند و این کار از سفرهای لغو و بیهوده به حساب نمی آمد.

مسلمانان به آثار و خبرهای شکفت انگیز امتهای جهان علاقه مند بودند و تلاش داشتند از ویژگیهای آن آگاه شوند.

اهرام مصر از شکفتنهای دنیای آن روز بود. پس از گشوده شدن مصر توسط مسلمانان، اهرام مصر شکفتی همگان را برانگیخت و افرادی برای گشودن رمز و راز آن دست به کار شدند.

مأمون عباسی از افرادی بود که بدین کار رغبت داشت. او به مصر سفر کرد و فرمان داد در پیرامون اهران نقب زنند. افراد پس از تلاش بسیار موفق شدند به بخشی از آن دست پیدا کنند. در آن جا خانه هایی بزرگ یافتند که جنازه هایی را در خود جای داده بود. ۵۹.

سپس، گروه دیگری از مسلمانان دست به کاوش زدند. احمد بن طولون با همراهی هزار کارگر و بتا به حفاری اهرام مشغول شد، پس از یک سال کار به سردابه ای رسیدند که نوشته ای به زبان سریانی در آن یافت شد که پس از فرستادن آن به نزد عالمی در هند، که زبان سریانی می دانست، به مطالب نوشته و نویسنده آن دست پیدا کرد. ۶۰

بازدید از آرامگاه اصحاب رقیم: در قرآن کریم از اصحاب رقیم به بزرگی یاد شده و در روایات اسلامی درباره آنان برای مردم گفت وگو شده است. در دوره عباسیان چنین شهرت یافته بود که اصحاب رقیم در سرزمین روم قرار دارند.

واثق با الله، محمد بن موسی خوارزمی ستاره شناس، را با عده بی به بیزانس فرستاد تا درباره محل غاری که می گویند اصحاب رقیم در آن جا مدفون شده اند، تحقیق کند و خوارزمی به سرزمین روم رفت و همراه راه بلدهایی که بزرگ روم با او همراه کرده بود به کوهی که اصحاب رقیم در آن جا بودند، رفت و پیرامون جسدهایی که به عنوان اصحاب رقیم به او نشان دادند تحقیق کرد. این قبرها در روستای خرمة میان عموریه و نیقیه قرار داشتند. ۶۱

آثار ذوالقرنین:

درقرآن کریم و روایات اسلامی از ذوالقرنین بسیار یاد شده است. قرآن از او چنین یاد کرده که در سیاحت خود، در نقطه ای از همان برای جلوگیری از تجاوز اقوامی مهاجم، به نام یاجوج و ماجوج به مردمان مجاور خود سدی پولادین ساخت.

و نیز در متون اسلامی، درباره ظلمات و سرزمین تاریک که اسکندر در پی یافتن آب حیات وارد آن شد، گفت و گو شده است.

در این که آن سد کجاست و آیا هم اکنون وجود دارد، همواره میان مسلمانان گفت و گو بوده است و نیز در این که آیا ذوالقرنین همان اسکندر مقدونی است یا خیر و این که سرزمین تاریک در کجاست، موضوع بحث افراد کنجکاو بوده است.

در دوره امویان، مسلمة بن عبدالملک بن مروان در روزگار حکومت برادرش یزید بن عبدالملک، فرمانده سپاه بود و با رومیان نبرد کرد. او در نبردهای خود به نقطه ای از زمین تاریک که گمان می برد همان ظلمت اسکندر یا ذوالقرنین است رسید و سعی کرد راز آن تاریکی را بازگشاید. گویند به سبب خاموش شدن مشعلی که همراه داشت از این کار دست کشید. ۶۲

واثق بالله، برای تحقیق درباره سد یاجوج و ماجوج، شخصی به نام سلام ترجمان را با پنجاه جوان قوی و مخارج هنگفت به منطقه دربند و خزر فرستاد، آنان در سفری دراز که بیست و هشت ماه طول کشید، در بازگشت از سدی پولادین و مردمانی به نام یاجوج و ماجوج خبردادند و تکه ای از بنای آن سد را به عنوان نمونه برای وثاق باز آوردند. ۶۳

سفرهای آموزشی و تبلیغی:

تفسیر قرآن، جمع حدیث و کاوش درمباحث فقهی و پیدایش مسائل نوین علمی، همراه پراکندگی کانونهای علمی، نیاز دانش پژوهان و مبلغان را به سیاحت در این دوره، دو چندان کرد. برخی از طالبان آن چنان با سیر و سیاحت دمساز شدند که به رخاله شهرت یافتند. عراق و حجاز و مصر و خراسان و ماوراء النهر و حتی مغرب شاهد تردد هزاران کاوشگر و مبلغ بود.

عکرمه، شاگرد و راوی ابن عباس، چهل سال در پی حدیث در کاوش و سفر بود. او، افزون بر سرزمین عرب، به مرو و نیشابور و... مسافرت کرد. ۶۴

سعد بن عبدالله اشعری قمی، از یاران امام عسکری و صاحب نوشته های فراوان، برای جمع حدیث و استفاده از استادان شیعی و حتی سنی بسیار سفر کرد. ۶۵

احمد بن محمد بن عیسی قمی، در طلب حدیث و روایات اهل بیت بسیار سیاحت کرد. او سرانجام به قم آمد و در این شهر ساکن شد. ۶۶

ابوالفضل، محمد بن عبدالله از راویان مشهور حدیث، همه عمر در طلب حدیث راه پیچود. ۶۷

درباره مکحول بن ابی مسلم از روایات ایرانی حدیث نوشته اند:

(او اهل ایران بود. در پی حدیث به عراق و مدینه رفت، بسیاری از سرزمینها را سیر کرد و سرانجام در دمشق ساکن شد.) ۶۸

در دوره مأمون عباسی، حسن کنجکاو و شوق به دست آوردن علوم جدید، بویژه دانشهای ریاضی و طبیعی، پژوهشگران را به آن سوی مرزهای اسلامی روانه ساخت. مأمون، برای به دست آوردن کتابهای حکمای یونانی کسانی

را به دربار امپراطوری بیزانس، لئون ارمنی فرستاد و نیز برای آوردن استادی درهندسه از روم به ایران زحمت‌های فراوان متحمل شد. ۶۹

تطبیق آموزه‌ها با خارج:

بخشی از سیرو سیاحت‌های آموزشی برای برابرسازی آموزه‌ها و دانش‌ها با واقعیت خارجی آن صورت گرفته است، برخی از سیره نویسان و مورخان اسلامی، برای این که آموخته‌های خود را تجربه کنند و از خطابه دور دارند، راهی سفر می شدند و شهر به شهر و کوه به کوه به مناطق وقوع حوادث و جنگ‌ها می شتافتند و در بستر رویدادها کاوش کرده و جایگاه دقیق دفن شهیدان و بزرگان را واری می کردند. واقدی، نویسنده المغازی، چنین روشی داشت. او برای گردآوری سیر و جنگ‌های پیامبر سفر بسیار کرد: از مدینه به بغداد آمده از عراق به شام و سپس به عراق و خراسان. او برای نوشتن جزئیات حوادث، مناطق جغرافیایی و صحراها و کوهساران حجاز را در نوردید. او خود در این باره گفته است:

(هرگاه فردی از فرزندان صحابه و یا فرزندان شهداء و یا از وابستگان آنان را می دیدم از مدفن شهیدان و جایگاه شهادت آنان می پرسیدم. هرگاه به من خبر می داد، به سراغ آن جایگاه می رفتم و از نزدیک می دیدم. من به (مریسیع) رفتم و بستر آن رویداد تاریخی را دیدم. هر غزوه ای را که از آن آگاهی داشتم به جایگاه وقوع آن می شتافتم و آن را از نزدیک می دیدم. ۷۰

افراد همواره واقدی را در تکاپو می دیدند و همین تکاپوها او را صاحب نظر کرده بود و افراد برای یافتن جایگاه شهیدان از او راهنمایی می خواستند، هارون قروی می گوید:

(واقدی را دیدم در مکه با کوله باری بر پشت. گفتم قصد کجا داری؟ گفت: می خواهم تا به حنین بروم و جایگاه آن ماجرا را از نزدیک بینم. ۷۱)

شوق به تبلیغ و گسترش پیام قرآن، مسلمانان را در این برهه به سفرهای بزرگ و خطیر کشاند. بویژه احساس مسؤولیت پیروان اهل بیت در نشر علوم اهل بیت و آشکار کردن مظلوم بودن آنان، آتش عشق آنان را شعله ورتر کرد، چنان که با

وجود همه موانع و نامنی راهها و سخت گیرهای سیاسی به سرزمینهای دور سفر می کردند. روایت‌های اهل بیت را در آن جا منتشر کرده و پیام علوی را در هر سو فریاد می کردند.

سلیم بن قیس هلالی، که اسرار بسیار از اهل بیت را به یاد داشت و خاطره های فراوانی از علی (ع) و سلمان و ابوذر و حذیفه و مقداد در سینه اش موج می زد و در حکومت پر اختناق حجاج در عراق نمی توانست آنها را روایت کند، راه سفر ایران را پیش گرفت. در فارس به خانه ابان بن ابی عیاش در نوبندجان وارد شد و مشغول تبلیغ شد. چون نزدیکی وفاتش فرار رسید، اسرار اهل بیت را به ابان سپرد و از دنیا رخت بر بست. ۷۲

سعید بن جبیر، برای نشر علوم اهل بیت و آگاه کردن مردم به ستم امویان به اصفهان سفر کرد. ۷۳

ابراهیم ثقفی، نویسنده کتاب مشهور (الغارات) در پی همین رسالت دشوار از عراق راه ایران پیش گرفت. وی در کوفه در دانش کلام کتابی به نام (المعرفة = شناخت) نوشت و مظلوم بودن اهل بیت را در آن یادآور شد. برخی کوفیان به او گفتند آن را رها کند و خود را به رنج نیفکند. ابراهیم گفت: کدام سرزمین با اهل بیت و شیعه بیگانه ترند؟ گفتند اصفهان. او سوگند یاد کرد کتاب را جز در اصفهان منتشر نسازد. او بار سفر به اصفهان بست و در آن جا مشغول تبلیغ شد. گروهی از قبیان به اصفهان آمدند که برای استفاده او را به قم ببرند. او پذیرفت و کار در آن محیط پرخطر را مهم تر از کار در محیط آرام و بی خطر قم تشخیص داد. ۷۴

حریر بن عبدالله سجستانی، از راویان حدیث، برای نشر علوم آل محمد (ص) به سیستان سفر کرد. او در پوشش تاجر روغن، در آن سرزمین دور دست که از دید حکومت عباسیان اندکی به دور بود، دانش و مظلوم بودن اهل بیت را به گوش علاقه مندان رساند. ۷۵

د: سیره معصومان در برخورد با جهانگردان

برخورد پیامبر و امامان و نیز رابطه جامعه اسلامی معاصرشان با جهانگردان، بسان رابطه میزبان با میهمان بوده است. سوای آن گروه از سیاحان که برای خرابکاری و یا جاسوسی وارد سرزمین اسلامی می شدند، سایر جهانگردانی که برای

پژوهش و تحقیق در مسائل فرهنگی و اعتقادی و یا کسب دانش و یا گشت و گذار وارد حوزه اسلام می شدند، در امنیت کامل بوده و در مدت اقامت در سرزمین اسلام سیر و سیاحت می کردند.

پیامبر، پیش از مکه با مسافران دیگر سرزمینها برخورد بسیار داشت. مکه پایگاهی بود عبادی و تجاری که مورد احترام مشرکان بود و حتی نصارا نیز بر روی ستونهای کعبه تصویر مریم و عیسی و ابراهیم را نقش کرده بودند، از این روی، این شهر در طول سال، بویژه در ماههای حرام آکنده از زائران بود. علاوه، مکه بر سر راه تجارت مشرق و دریای مدیترانه واقع بود و عراق و شام را به یمن متصل می ساخت و وسیله ارتباط افریقا و آسیا بود. این خود مکه را به شهری سیاحتی تبدیل کرده بود. پیامبر از این موقعیت جغرافیایی استفاده می کرد و به دیدن مسافران می آمد و با آنان گفت و گو می کرد. و در اصل یکی از عوامل گسترش اسلام در مناطق دور از مکه وجود همین گردشگران بود. بعید نیست پیامبر توسط سیاحان، از موقعیت مناسب سرزمین حبشه آگاه شده و مسلمانان را برای رهایی از ستم قریش به آن جا فرستاده باشد.

پس از هجرت پیامبر به مدینه، این شهر شاهد ورود گردشگرانی بود که برای تحقیق درباره این دین جدید به مدینه می آمدند و یا افرادی برای دیدن خویشاوندان عرب و یا یهودی خود، به آن جا آمده و کنجکاوای آنان را وادار به پژوهش در اسلام می کرد. پیامبر و مسلمانان با آنان رابطه برقرار می کردند و ویژگیهای اسلام را برایشان بر می شمردند. بویژه پس از صلح حدیبیه و کاهش تشنج میان مکه و مدینه، مدینه شاهد ورود گردشگرانی بود که برای آگاهی از اسلام به این شهر می آمدند. پس از فتح مکه شمار سیاحان رو به فزونی نهاد و سیل قبیله های عرب برای آگاهی از این ندای نو، وارد مدینه می شدند. پیامبر از این گروههای اعزامی و گردشگران پذیرایی می کرد. با ایشان دوستانه به گفت و گو می نشست و بر سر یک سفره با آنان غذا می خورد. ۷۶

گروه اعزامی ترسایان نجران که برای مذاکرات مذهبی به مدینه آمده بودند، در مسجد جای یافتند و مراسم عبادی خود را در مسجد به جای می آوردند. ۷۷

و نیز پیامبر، گردشگران ثقیف را که مشرک بودند و در نظر داشتند پیرامون رابطه مذهبی خود با پیامبر گفت و گو کنند، در مسجد جای داد. آن حضرت هر شب پس از نماز خفتن در جمع آنان حاضر شده و با ایشان گفت و گو می کرد. ۷۸ پیامبر به برخی از مسافران و گروههای اعزامی غیر مسلمان را که در پی دشمنی با مسلمانان نبودند، هدیه می

داد ۷۹ و نیز هدیه آنان را می پذیرفت. پیامبر از اکیدر دومه، یکی از بزرگان ترسای عرب، پیش از مسلمانی ۸۰ و نیز از یکی از بزرگان مشرک پارس هدیه قبول کرده است. ۸۱

کافران حربی، هنگامی که جنگ افزار را کنار نهاده و خواهان روابط دوستانه با مسلمانان می شدند به درخواست آنان ترتیب اثر داده می شد. این افراد می توانستند با رعایت شرایط تأمین و درخواست و ضمانت یکی از مسلمانان برای تحقیق درباره اسلام و یا سیر و سیاحت وارد سرزمین اسلام شوند و کسی متعرض آنان نمی شد.

ابن عباس روایت می کند:

(مردی از مشرکان از علی بن ابی طالب پرسید: اگر بخواهیم پس از پایان مهلت چهار ماهه [که در سوره توبه برای مشرکان جنگی تعیین گردیده] برای شنیدن کلام خداوند و یا اهداف دیگر، به دیدار پیامبر بیاییم آیا کشته می شویم.

علی (ع) فرمود: نه خداوند فرموده است:

(هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد، پناهِش ده تا کلام خدا را بشنود پس او را به مکان امن برسان.) ۸۲

امام صادق (ع) از جمله سفارشات پیامبر به فرماندهان سپاه خود که برای نبرد، راهی مناطق جنگی بودند، فرموده است:

(هر مردی از مسلمانان، از هر طبقه و گروه، به یکی از مشرکان پناه دهد، او در امان است. پس آن گاه که سخن خدا را شنید، اگر مسلمان شد او برادر شایسته و اگر به راه خود رفت، از خدا کمک بگیرد و او را به جایگاه امنش برسانید.) ۸۳

پس از پیامبر آمد و شد گردشگران به مراکز اسلامی بیش تر شد. سیاحان که بیش تر اهل کتاب بودند برای پژوهش و تحقیق به مدینه می آمدند و مسلمانان، بویژه امام علی با آنان دیدار و درباره اسلام و دیگر ادیان با یکدیگر گفت و گو می کردند.

در یک مورد، جهانگردی یونانی که پزشک بود به مدینه آمد. او ادعا داشت که سخنان بنیانگذار اسلام برخاسته از اختلال روانی و بیماری جسمانی است!

علی(ع) با او ملاقات کرد و با برهان علمی سخنان او را باطل ساخت. ۸۴

پس از آن نیز، سیرت مسلمانان بر این روش استوار بوده است. بویژه در زمان بنی عباس که مذاهب و مکتهای آزادی بیش تری داشتند و مباحث کلامی جدیدتری مطرح بود، جهانگردان از روم و هند و چین و... وارد سرزمین اسلام می شدند و با علما و فرهنگیان جامعه دیدار می کردند. برخی از دانشمندان جهانگرد به خدمت امامان رسیده و علاقه مند بودند اسلام را از دیدگاه خاندان پیامبر بشناسند.

در موردی، در مجلس منصور دوانیقی امام صادق(ع) با جهانگرد هندی که در پزشکی سر رشته داشت برخورد کرد و درباره مسائل کلامی با او گفت و گو کرد. جهانگرد هندی در پایان ملاقات امام مسلمان شد. ۸۵

در ماجرای دیگر، امام صادق(ع) با جهانگردی هندی که منکر وجود خدا بوده و با آن حضرت بسیار مباحثه می کرده، به هنگامی که او مشغول تهیه دارویی برای بیماری بوده، وارد بحث شده و وجود خداوند را از راه دلیلهای عقلی و موضوعاتی که مورد علاقه و کار آن جهانگرد بوده، ثابت کرده او را مسلمان کرده است. این گفت و گو به مسأله اهلجیبیه معروف شد. ۸۶

برخه، از ترسایانی بوده که با گروهی از اهل کتاب برای آشنایی نزدیک با اسلام، به مدینه آمده است. او، پس از دیدار و گفت و گو با هشام بن حکم به خدمت امام کاظم(ع) رسید و پس از گفت و گوهایی بسیار درباره اسلام و پیامبر به اسلام گروید. ۸۷

امام رضا(ع) نیز در خراسان با جهانگردان بسیاری که برای آشنایی با اسلام و یا تبلیغ مکتب خود به حوزه اسلام آمده بودند، مانند جاثلیق و نسطاص رومی گفت و گو فرموده. ۸۸

این گفت و گو، در انتشار اسلام در خراسان و سرزمینهای اطراف آن، بسیار موثر بوده است.

بنابر دستور حکومتی زمان هارون، از کسانی که برای جهانگردی و یا تجارت و... وارد حوزه اسلام می شدند به نیکویی پذیرایی شده و تنها از تاجران عشر دریافت می شد. ۸۹

بیت المقدس از مراکزی بود که از آغاز مورد توجه همه ادیان آسمانی بود و پس از فتح آن به وسیله مسلمانان، مسیحیان در آن باقی ماندند و مراکز عبادت آنان در دستشان باقی ماند و آنان با نگهداشت شرایط ذمه از حقوقی بسان مسلمانان برخوردار بودند.

علاوه بر یهودیان و مسیحیان داخل سرزمین اسلامی، که به زیارت بیت المقدس می رفتند، یهودیان و ترسایان خارج حوزه اسلام نیز، در طول سال به دیدن بیت المقدس می آمدند و در کمال آزادی زیارت و سیاحت می کردند. ۹۰

این سیره تا پیش از جنگهای صلیبی، همچنان ادامه داشته و غیرمسلمانان از بلاد روم و مغرب گروه گروه برای زیارت اماکن مقدسه و یا بازدید از خویشان خود به قدس می آمده اند. ناصر خسرو در قرن پنجم خبر می دهد:

(و از دیار روم و دیگر بقاع هم ترسایان و یهودان بسیار آن جا روند، به زیارت کلیسا و کنشت که آن جا است). ۹۱